

باسر تشريعى سؤالات كندور ٩٨ خربى (عدى نظام جديد) مح محميش صدى توار (رتبه ٢ منعة المنعد المان) سوال ۲۷ کے لزمنی « ۱، ازع : رودت ن ، جادلهم : بر آنان معادلدلن ، با آلتي مي أحس : با آنجه منهو تراس سوال ٧٧ ٢٠ لي لز شرى ٢٠ يبلغ : مى ر دسد ، العادمة ف : راد متعويان ، دجد معم : دارا متعود ، مع : به جيزى ، لا يداغه ، بران منى رسد الماديدن ، روغفرون ، با حيالهم ، با حديد كرى حود سوال ۲۸ ٢ از سرى ٢٠٠ ارم الموب استشاركد حدامك ما قبل ١٠٠ منفى است مى تعان از الدمى عقط وتنها استغاده مرد . تسريح ٢ مركز نير حا : مرز منی 1 - « زند ما ، بر TO » مادست هستند. سون من ۲ ب « از النعه» ندرست است و ما يد ب صورت از مزا فاق كد ، با سرد سمز بند ی ۲ م د قدرت الد سیسول، ، زنده ایم ،، نارست ه تد ور عبارت عدیم و جود دارند . سونل ۲۹ مے از شری «۲» صُعَدَ : بالارفتند ، الذَّار : زانزان ، كلَّهم : هنَّهُ ، حِبْلُ النور : ازيوه دور ، لذيارة غار حدًا ؛ براى زيارت فارحرا لم حقدروا ، عدرت مدا مشتند ، على المعدد : براي معدود La se se mo سفال ۲۰ م لزندی «۱» الأستفادة : استناده ، بالاربين ، من المجوّال : ارتلفن ممراه ، لسيت مسموة : معان سبت سفال ۲۳ الإنسان ۲۰ تستطيع : مى توائند (ردس يريز فيه ا) ، أن ترشدنا : كم ما را را هناي كند ، مان سقرط ما مرقو ، مان موطر في هوابيا مان عدق فيتم : مون مون تع كتسى . نفال ۲۷ از شری دل لتي : وقتى » لأى : ديد ، انتى معاب بالذكام الشريع : هن دچارزكام تشرير هسم، أيناً عنك هي تشريرً: ونوزب تشريرك كتب: نفشت ، وصفح تمتدى ، دسماى م معتدى ، معتدار من المشراب : مقارى شرمت ، هدب دسترة: فردهاي

Scanned by CamScanner

سوال ۲۳ = كزندى 1. ترجه صحيح لذنيك ١٠ ١١ اين تد ماست: خدد بزرك بين يسمكو بني تداند دور حصر را در قلبش كهارد ! سقال ۲۳ = لزندی ۳. تشريع ساير الم الم مرونین ۲۰ ، د ناوزمانی حفاهدارد ، نادرست است دباید به صورت « نافرمانی می لند » با شد . سمر نیس ع» · « فضلعها»، فادرست است و باید جدد با بترج دخصنف» صحیح است · سؤال ۲۵ ا الز شک ع المر ب صعمر کا کتاب عدی بازدهم مر احمد لند م عین این عبارت دا م تداند با توضیح مشاهده لند . سوال ۲۷ = الزندى ما، الي ندند بيك مى دارد كد « مرصدوا ويشهدى وجود ندارد ، كد نامرست است با روج جمين « تعدد تعما معيا و العدون»، سوال ۳۷ بالزندى . ۲ . الزنين عامة معلامة من صحيح اس زيرا مر متن مبل ف شده اس مر رختان مرعد (ز ب حا وحيد ما م سۆال ۳۸ = مرزمندى «۲ » «اكترالفعول» نادرست است زيرا در صورا + دراكتر حضول باران فن بار و. مغال ۲۹ = کزشک «۲» » مح تدقم: "كذنيه عدى مع ، بيان مى دارد كد بارانفاي كدير بيابان مى باردود مشان شق تا هشت هفتداست در ناريس است زيد براساس متن دوام وعمر مصوف ها فتش تا حسّت هفته است. سؤال ٤٠ ٢ لز شه ١٠ تشريح ما يركز بندها: م رز نیس ۲» ... معلوم» فا ست اس مرز ندی «۲»: « لاهنا طب»، فادرست است -مريندي، ما» : « خاطه محذوف» فارس است . سفال ۴۱ = لزشم) «۳» تشريع ما يركز بنه ها : مروز مذى وا، : « للحاطب، فارست است. « وزينه م) . ٢ .. : « فا على الأزهار » فارست است . · در منه ی «ع »، « المح طب و عظ معدره « اظهار» فا درست است .

نسغ ال ۲۲ = از نیس «۳» . تُسَرِقِع ما يُرْنُزِينِد ها . ^انزىنىرى 1، ; « فعله « خەر » ، ئاردىس اس . ير مؤننيور ۲ ۲ ، ۵۰ صفة للهوهيوف و النتمل » فاديس است · ر . گزینگری دع به فروجود فقه، فادر ست است · مغلل ۴۳ ۲ مخر شدی ۱۰ ، « وَحِبْهُدُ و احْتِهَا دا » نادرست الأوبايدين صورت « وَجَبَهُو و احْتِهَا دا » باشد . سفال ۴٤ م الزيدي د ٣٠) تسريع سايد كذب ها: مرون من من المربع من مراس الما « قدمة » هدنت اس · كذن من «٢» ، « تمن » هذات اس · كذن من ٢» ، « تمن » هذكرات الما ولترت» مونين سر از من ۲۵۰۶ ··· « فقود » جمع هد نت سالم غیرانهان است م فعل هد نت می حدّاهد اما « بیرتفع، برانکامذ تر است · "Yo Grivin = ED dien لل ل خ معار ، صَام ٢ معود ، ظلمات ٢ مقر سفال ۴ = الإنسان ۴ «الا فعوات» تركيز منه « مج »، جمع حصر « معت » است · سۆال ٤٢ = ئىزىنىسى دا، ر صري از مدى دا»: دايد مدر مردد > معناى طلب رادار د. سوال ۲۶ = لزنير ۲، ترازيد بع اسدب شرط وجود مدرر زيرا ، من » دراين از مد مومول است ، آلومن » شرط مو د با دد فعل به مورد «فلينظر» فاشريه حواب شرطراس رونين «٣» (سال المعالي المان م حدف مشما باالفعل و لعن » بول تعمل حمله و رفع الما الس المغال م الم الم الم وصد مد صورت مرحمه وجود دارد مر استناء حفرع باتند سن مستنى منه محدوف باشد مريز ندى ٢٠ با عنت ما متعدد رسان از من هاج تربيب « الأطلام »و« نا» و «الأسان» منتنى هن ه مستنى من